

چهار

۱۰۲۹

شپکاغو امیرکا

فهرست مندرجات

۱. عکس بهائیان کنوشا
۲. لوح مبارک برای مستر هولمز
۳. ضیافت بهائیان کنوشا
۴. اخبار شرق
۵. اخبار غرب

شماره ۳ ماه عزت سنه ۷۵

ADDRESS: Bahai News Service, Box 283, Chicago, Ill., U.S.A. : آدرس :
قیمت اشتراک را با یادرس یا براسطهٔ محفل روحانی طهران باین اداره برسد

این مجریه بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل
یگانگی بشر و وحدت بیان و ترویج صلح عمومی و تربیت اطفال و حل مسائل اقتصادی و پیشرفت هر حضرت
بها و الله در اطراف جهان و توضیح حقایق این دین عمومی خواهد نوشت و مقالات مفید در این خصوص هر نشرو خواهد

شماره هفتم سپتامبر ۱۹۸۸ ماه ذی الحجه سنه ۱۳۴۷

لَوْحِ مِيبَاكِ

بافتخار حاکم نیویورک سابق
نازل شده

نیویورک : جناب ولیم سولزر علیه

التحیة والثناء

هو الله

ای خیرخواه عالم انسانی : نامه

فصیح و بلیغ شمارسید و بکمال سهوود

قرائت کردید و همچنین مقاله ای که

در خصوص جمعیت امر مرقوم نموده

بودی کل ملاحظه کردید و امیدوارم

که اعضای جمعیت امر علی الخصوص حضرت

رئیس خیرخواه عالم انسانی موفق بر آن

شوند که بموجب تعالیم حضرت بهاء الله

حکمه کبری اعضا از جمع ملل و دول

عالم تشکیل نمایند . این حکمه کبری

حای و کافل صلح عمومی خواهد

شد . حال اول طلوع صبح صلح عمومی

امید چنانست که آفتاب صلح عمومی

اشراق کند بيشکوهی که ظلمات

جنک و نام و ننگ بکلی متلاشی شود

مسئله صلح عمومی يك مسئله از

تعالیم حضرت بهاء الله است

متممات دارد - تحری حقیقت

وترک تقالید عتیقه است . و حدت عالم
انسانیت . الفت و محبت دینیت
یعنی دین باید سبب الفت و اتحاد
باشد . تطبیق دین و علم و عقل است
ترک تعصب دینی . و تعصب جنسی و ملی
و تعصب خاکی . و تعصب سیاسی است
و حدت لسان . یعنی تعیین لسان
عمومیت . تا هر نفسی دولسان
بداند یکی لسان وطنی و دیگری لسان عمومی
مسئله اقتصاد است مسئله تساوی
حقوق رجال و نساء است مسئله حقوق
و عدالت . مسئله حریت ملکوتیت
و امثال آن بسیار است .

حال الحمد لله بظمت حضرت
رئیس مسئله صلح عمومی و حق
و عدل بیان آمده است از الما
حق امیدوارم که نفوذ کلمه
الله صلح عمومی در کمال شکوه
تمام شود و آنجناب مظهر

تأییدات ملکوتی از هر جهت گردید
عبدالله عبا و عباس

فصل لسان کوشا ضیاءهای کوشا

صبح روز یکشنبه ۲۴ ماه اگست
۱۹۱۹ ساعت ۹ فونکی دکتر
ضیاء بغدادی و عائله شان و یک
خانم امریکائی میس مالی بطرس
رئیس مدرسه بنات با این عبد
از شیکاگو به شهر کوشا حرکت کردند
بر حسب خواهش بهائیان آن شهر که
رسمها در چند روز قبل در روزنامه
اعلان کرده بودند که دکتر بغدادی
روز یکشنبه دعوت شده است
که در مجلس عمومی نطقی در
خصوص ظهور و تعالیم موجود
جمیع انبیا و اولیا و مشتهای کل
من فی العالم رئیس السلام حضرت

حضرت بهاء الله اوانماید و همچنین
اهالی آن شهر را رسماً وعده خواسته
بودند که در مجلس فطق حاضر شوند
شهر کنوشا در هفده فرسنگی
شمال شیکاگو و در ایالت ویسکانسین
است و جمعیت این شهر دارای پنجاه
هزار نفر است و اهالی از حسن خلق
و روش بهائیان نهایت رضایت را دارند
ساعت ده و نیم وارد شدیم بمجلس
و ورود جمعی از دوستان در محطه
راه آهن منتظر بودند و از آنجا
با اتوبوس چاکران را به یک
بیداف بردند که تقریباً یک فرسنگ
خارج از شهر بود در منزل مستر
بو هانن منشی محفل روحانی
کونستاس در آن محل جمعی از
رجال و نسائ نورانی منتظر آمدن
فائیان بودند و در موقع رسیدن
هنکامه نیمی رخ داده هر یک از بیلان

ملکوت در نهایت وجد و سرور خنده
کنان پیش آمد خانها دست دادند
و مردها مصافحه نمودند و جمعی از اطفال
در دوز هر کدام از فائیان حلقه
زدند و بیدای شیرین الله الهی
میگفتند و خودشان را در آغوش
هر یک از ماها می انداختند از شاد
و خوشحالی بعضی بحالت گریه اوقاتند
این همه از شعله ناز محبت الله بود که
به چه گونه باران شرق و غرب را در
آغوش یکدیگر مانند دو دلبر رحمانی
می آورد .
بعد از این خوش آمد و احترام در منزل
که یک چمن طبیعی سبز شده بود بر زیر
سایه درختها کرسیهای متعدد گذاشتند
و جمیع جالس شدند در ابتدای مجلس مسین
کودیل لوح غنائی تلاوت نمود بعد
جناب میهماندار نظامنامه ای ترتیب
داد بجهت این مجلس خصوصی که فقط از برای

بهایان بود اولی آنرا چند دقیقه زیان
کشود بحد و ستایش حضرت بهاء الله که
به چه نوع معنوی که مانند مغناطیس است
ادیان مختلفه و اجناس متفرقه را جذب نموده که
همه را متحد و متفق کرد بعلوه مولای مثل
سکه عشاق حضرت عبدالهیا، بالای عاقد شتر ^{آید}
که از سخن غمیشان در زیر سلاسل و اغلال
این اقوام و امم که قبلا مانند کرب و میش بودند
حال يك عائله پر محبت ساختند و جمیع را
از خلق و خوی خودش مثل يك روح در احیا
متعدد قرار دادند . بعد چند نفر از
نقوس خالصه مخلصه از شیکاگو و شهرها
دیگر چون عادت کرده بودند هر وقت
دکتر بغدادی جای سفر کنند برای
تبلیغ امر الله آنها نیز جهت استماع مبرقت
لهذا در این مجلس حاضر شدند و هر يك
ذوق مختصری ملیح ادا کردند زینت خاطر
ما جانان بلخ شیرین و بحالت انجذاب بدو
نمودند که جمیع حاضرین متأثر گشتند

پس از مناظره ای از سرودها مبارک که اولش
میفرمایند: کیمکه بودرگاه ده در باره اول
کشور جاوه و دله سلطانم اولور
خوانده شد . نوبت بچه ها رسید
هر کدام از کلمات مکتوبه و از سایر بیانات
و الواح مبارکه حتی مختصری از تاریخ امر
بهای حفظ کرده بود جلوات در آنها
خضوع و خشوع و لطافت دستهای کوچکش را
روی سینه خود گذاشت و با صوت قوی
خواند خصوصا طفلی بود که شاید عمرش
بیش از پنج سال نداشت چون شروع بتلاوت
مناظره کرد جمیع حضار بی اندازه محظوظ گشتند
که هر يك این طفل را در آغوش گرفت و مانند گل
معطر بوئید و بوید .
پس از این دکتر بغدادی خطاب به ای
اهمیت اتحاد و اتفاق اجبا القامود که امروز
وظیفه همه اینست که باید پیش از پیش محبت
امر مقدس قیام کنیم و سعی و کوشش بفرستیم
الیه نمائیم شاید خفگان بیدار شوند

ومتان بهوش آید که از این کردار جهالت
 وظلمت و یگانگی به معرفت و روشنائی و الفت
 تبدیل گردد اما در ظاهر زایع هستیم
 باید دهقان جفتی شویم و تخم های پاک
 یعنی تعالیم حضرت بها و الله و ضایع ^{بها} عینده
 در زمینهای قلوب نورانی کشت که از هر دان
 میوه های شیرین ابدی به ثمر آید .

پاره خلی نظرت مفصلی بود که تمام مستمعین
 بسیار شغوف شدند بعد يك يك پیش
 آمدند دست دادند و اظهارات ناموفه
 و این مجلس خصوصی يك مناظره با نطقی رسیده
 موقع نهار شد میری بسیار بزرگی
 در سایه درختها گذاشتند و چند نفر
 از خانم ها بچیدن ابا بخوراك خوراك
 و عددها و كارك بروی میز مشغول شدند
 تقریبا صد نفر از مؤمنین و مؤمنات با طرف میز
 نشستند بجهت صرف غذا لکن اطفال رو
 چنجالس شدند و از برای هر يك از اینها يك
 ظرف خوراك معین کردند در نهایت روح و ^ن جان

و شادمانی کل بخوردن متغول شدند اینگونه
 دور هم جمع شدن نوعی طراوت و لطافت ^{بنظر}
 خوشی جلوه داده بود که جذب انظار هر کس شد
 که تمام احباب نگاه میکردند و يك ديگر میگفتند
 که ملاحظه کنید که چه کونه تربیت بحار الله
 این اطفال را با هم متحد کرده حتی در حين خوردن
 غذا با هم دیگر بطور محبت صحبت میکردند و اگر یکی
 چیزی از خوراك کمش بود دیگری قدری از غذا
 خودش یا آنکه از آشپزخانه بجهت آن طفل
 می آورد و بنوع مهر با خدمت يك ديگر می کردند
 در همین صحن عکس گرفتند و در این شماره
 چاپ شده تا قاری این نجم با خیر چشم خود مشاهده
 نمایند که چه منظری خوشی رخ داده بود و احباب
 از بزرگ و کوچک چه طور در نهایت الفت و مهر با
 ایام خودشان از اجنبت جشن و شادمانی و بزرگی
 اسم اعظم می گذرانند

بعد از صرف نهار دوستان دسته دسته
 شدند و بر روی چمنهای آن بیدق باصفا
 مشی نمودند فی الحقیقه در هر جا جمعیتی از

بهائیان پیدا می شود جز الفت و محبت و یگانگی
 و خلوص دیگر درین نیست اگر شبانه روز
 شکر کنیم مطابق اندازه يك دقیقه از موهبت
 خود شا که بپا عطا فرموده نخواهد شد
 در همین موقع فانی بایک خانم روحا صحبت
 میکردم که فوراً این خانم محترمه يك دانه عکس
 کوچک جوانی حضرت عبدالبهارا در يك طرف
 بند طلا گذاشته بود نشان داد و گفت
 این عکس سبب شد که مرا از ظلمت غفلت و نادانی
 نجات داد سؤال کردم آیا ممکن است مختصراً
 حکایت را ذکر کنید گفت که روزی در
 منزل یکی از خانمهای بهائی مهمان بودم و یک
 داخل اوقات شوم چشمم روی میز افتاد
 و چون این عکس مبارک را دیده ام حالم بکلینقل
 شد مثل اینکه دیدم انوار مسیح در این وجه
 جمیع ظاهر و باهر بود و بی اختیار از خانم
 مهماندار استفا رفتم که صاحب این
 عکس کیت و در کجاست و او حکایت مختصری
 از تاریخ وصیای و تعالیم عبدالبهاء ذکر کرد

بعد به نهایت شوق دین بهائی را محقق
 کردم و الحمد لله آنچه باید بینم و بشنوم
 و بدانم دیدم و شنیدم و دانستم خدا را
 شکر میخام که از تعالید و نادانی رها یافتم
 و باین امر مفتخر شدم .
 باری وقت غروب شد شام مختصری
 صرف شد و جمیع احباب رویش حرکت
 کردند که در مجلس عمومی که رسماً اعلان
 بود حاضر شوند در این موقع احباب
 و اغیار جمع شدند و یک رسیدیم و نشستیم
 یکی از خانمها دسته کلی بسیار بزرگ داشت
 که بین احباب و اغیار توزیع کرد و مجلس کلیتاً
 کشته تقریباً ساعت هشت بود که جناب
 مسترحا کوبین کرسو دار در افتتاح مجلس جناب
 تلاوت کرد و باندازه نیم ساعت از تاریخ امر بهائی
 صحبت نمود که سبب حیرت اغیار شد بعد
 زینت خانم لوح عرفی در نهایت تبیل و خشوع
 باصوت بلند تلاوت کرد این خیلی با نظار
 حضار جلوه نمود بعد جمیع برخاستند

و اشعار انگلیسی با پیانو و موزیک خوانند
 میسر ایستاد یکی از خطابه‌های حضرت
 عبداله‌ها در حضور ایشان در حضرت بقاله
 در نهایت فصاحت و بلاغت تلاوت نمود جمعی از غیبه
 با هم دیگر آهسته می‌گفتند که امشب چه خبر است
 اینگونه بیانات که شنیده میشود چیزهای دارد که
 ما هیچ وقت نشنیده بودیم بعد در آن بعد از
 ایستاد یک دو دقیقه رو با حضرت مقدس کرد
 آنوقت شروع صحبت کرد همه حاضرین بکمال
 سکون گوش دادند بعد از خطایش از این
 قرار بود که هیکل عالم علت پیدا میکند مثل
 هیکل انسانا مثلاً جسم بشری مرکب از چند
 عناصر مختلفه است که از مخزنهای طبیعت
 این کاخانه بدن را تشکیل داده و اگر از این
 عناصر چیزی افزوده گردد یا آنکه قوی کم
 بماند جسم مزین میشود . مظاهر الهی
 حکمای حادق هستند که شفای عالم فقط
 در دستشان بوده و هست حکیم حادق
 حقیقی روحا این عصر حضرت بقاله است که

مبشران حضرت بقاله که در شهر امیرادی در
 تیر از نشان ظهور الهی داد و بعد از شش سال
 نفی و حیرت در میدان تبریز شهید شدند و مرکز
 عهدیه‌ها و الله حضرت عبداله‌ها است که الان زباله
 گویه کرمل در حضرت مقدس به جمیع عالم روح صلح و سلام
 و سعادت ابد میدهد حضرت بقاله الله عرض
 عالم را شنید دادند دیدند که غیبی که بیک
 علت دنیا از این قبیل است : تعالی بدین عتیقه .
 خود پسندی . تعصب مذہبی و جنسی و خود
 ستیقام . نفس و هوی . ظلم و استبداد حرب
 و جدال . جهل و اوہام . الی آخره
 لهذا تعالیم و قوانین مرقوم فرمودند که هر کس قبول
 نمود از این عناصر ممالک رهاییافت . حضرت بقاله
 پنجاه سال پیش حضرت عبداله‌ها تا بحال از سخن
 اعظم شاه به ملوک و دول جمیع اهل عالم اعلان فرموده
 و میفرمایند که عناصری که سبب حیوانیت است و جسم
 عللی دنیا در نهایت احتیاج آنست از این قبیل است
 وحدت عالم انسانی . تمرد حقیقت . وحدت الهی
 مطابقت دین با علم و عقل . وحدت اجناس و حدت

ساوا به حقوق چال و نثار صلح عمومی. حل مسئله
اقتصاد. روحانیت. عفت. انقطاع. خدمت
تربیت عمومی اطفال و فر علی ذلک

مختصر اینست که حضرت بجا الله و حضرت عبد الله
و حضرت باب اسماوات را از زمین بردند و در
صفا و ترقی و سعادت اهل عالم را آوردند ولی تا ارض
دو دار از حکیم چاق نگردد و به نضایح او عمل
نکند و به تعالیم او اعتقاد نداشته باشد هرگز
شفا از برای منکر حاصل نمیشود.
میرزا محمود خاں شیرازی

مسیس کورین ترو
که حیات خود را وقف کرده برای تأسیس مدرسه
شیکاگو عازم پاریس شد تا از آنجا با دخترش برآید
عنه مبارکه بودند.

متر و میس ولیم راندل
ناظر کپانیته‌ی از کشتیهای تجاری آمریکا با خانم
و پسرایش برای شرف شدن عازم صفا شدند

متر البرث ویل
یکی از کشتیهای فصیح و بلیغ بوده و بحال از ایاد
امریکا محسوب است جمیع وقتش بسفر و تبلیغ قرار داده
اونیز عازم ارض مقصود است

متر جورج لایمر
چون از خدمت دولت آمریکا در اروپا
مرخص شد و با آمریکا عودت نمود
باز با ارض مقدس شتافت

زینت خانم و دکتر ضیاء بغدادی
چون اذن مبارک برای این اعنایت شده
عن قریب با دختر کوچکشان پروین عازم
بقعه بیضا خواهند شد.

در بقعه بیضا چنانیم و هاجاهه حاج احمد خا

اخبار شرق

بهترین اخبار بشاقت حضرت عبداله
و هم عشایه ارض مقدس از چهار اربعه دنیا

اخبار غرب

جناب موسی و سوس در نیویورک بارنی
مدینت در آمریکا وارد و مجدداً عظیمه موفقی هستند

جناب متر فوجیا ژاپونی
الامر عازم صفا شد که در آستان مبارک خدمت